

## **The Effect of Attachment Styles in the Speed of Information Processing in Student**

Hassan Rezaei Jamalui<sup>1\*</sup>, Jafar Hassani<sup>2</sup>, Mohammad Nour Mohammadi Najafabadi<sup>3</sup>, Shima Mansourifar<sup>4</sup>

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

2. Associate Professor, Department of Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

3. Ph.D. Student in Educational Psychology, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Khorasgan, Iran

4. MA Student in Clinical Psychology, Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

(Received: August 25, 2016; Accepted: December 7, 2019)

### **Abstract**

The aim of this study was to investigate the effect of attachment styles in the speed of information processing. This study was a comparative type. From Najaf Abad high school students, 300 people by multi-stage cluster method were selected and completed attachment styles scale (Collins and Read, 1990). In the next step, based on entry criteria and extreme scores of attachment style questionnaire's distribution three groups of 15 subjects (anxious ambivalent, avoidant and secure) were selected and evaluated via Speed-of-processing tests Zahlen-Verbindungs-Test and Coding Test (KDT). The end results analyzed using multivariate analysis of variance and post hoc tests. The results of multivariate analysis of variance and post hoc tests showed that information processing time of students have anxiety/avoidance attachment style is more than students with avoidant and secure attachment style. Also, the performance of students with secure attachment styles is better than students with attachment anxiety/avoidance and ambivalent. Based on the findings of this study, it can be said that attachment styles have pivotal role in cognitive processes .

**Keywords:** Anxious/ ambivalent attachment, Avoidance attachment, Secure attachment, Speed of information processing.

---

\* Corresponding Author, Email: h.rezayi2@yahoo.com

## تأثیر سبک‌های دلبستگی در سرعت پردازش اطلاعات دانش‌آموزان

حسن رضایی جمالویی<sup>۱\*</sup>، جعفر حسینی<sup>۲</sup>، محمد نورمحمدی نجف‌آبادی<sup>۳</sup>، شیمیا منصوری‌فر<sup>۴</sup>

۱. استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران
۲. دانشیار، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۳. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، خوراسگان، ایران
۴. دانشجوی کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶)

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر سبک‌های دلبستگی در سرعت پردازش اطلاعات بوده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و علی-مقایسه‌ای انجام گرفته است. جامعه آماری دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان نجف‌آباد بودند که براساس جدول کرجسی و مورگان، ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود. دانش‌آموزان انتخاب‌شده، پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰) را تکمیل کردند. در مرحله بعد، براساس ملاک‌های ورود و نمرات نهایی توزیع پرسشنامه سبک دلبستگی سه گروه ۱۵ نفری (اضطرابی دوسوگرا، اجتنابی و ایمن) انتخاب شدند و با آزمون‌های سرعت پردازش زاهلن / وربیندونگر اسوالد و روس (۱۹۷۸)، و رمزگردانی کی‌دی‌تی سیتزول (۱۹۹۵) ارزیابی شدند. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری و آزمون‌های تعقیبی بون‌فونی نشان داد مدت زمان پردازش اطلاعات در دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی اضطرابی دوسوگرا بیشتر از دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی اجتنابی و ایمن است. همچنین، نتایج نشان داد عملکرد دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی ایمن بهتر از عملکرد دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی اضطرابی دوسوگرا و اجتنابی بوده است. براساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت سبک‌های دلبستگی در فرایندهای شناختی نقش محوری دارد. مهم‌ترین کاربست عملی این پژوهش اصلاح سبک زندگی و آموزش شیوه شکل‌گیری دلبستگی ایمن و روش‌های صحیح برقراری ارتباط با فرزندان است.

**واژگان کلیدی:** دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی دوسوگرا، دلبستگی ایمن، سرعت پردازش اطلاعات.

## مقدمه

سرعت پردازش اطلاعات یک توانمندی ادراکی / شناختی محسوب می‌شود (درو، استارکی و ایسلر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹) که بر توانایی‌های سطح بالای شناختی و عملکرد شناختی در دنیای واقعی مانند مدرسه، دانشگاه و عملکرد شغلی اثر می‌گذارد. سرعت پردازش ممکن است به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و از طریق هوش و خلاقیت بر عملکرد شناختی در دنیای واقعی تأثیر بگذارد (ریندرمن و نیوبار<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). مفهوم پردازش اطلاعات به این نکته اشاره می‌کند که انسان مانند رایانه بر تجسم‌های درونی و ذهنی خویش عملیاتی را انجام می‌دهد، یعنی از زمانی که اطلاعات از طریق حواس انسان دریافت می‌شود (مرحله برون‌داد) تا زمانی که انسان به آن اطلاعات دریافتی پاسخ می‌دهد (مرحله برون‌داد)، اطلاعات در ذهن انسان کدگذاری و سازمان‌دهی می‌شود و تغییر می‌کند (شیرزادی‌فرد، ۱۳۹۲). این فرایند از راه منطق، قوانین و راهبردهای اطلاعات انجام می‌گیرد و برون‌داد این فرایند به محدوده اطلاعات دریافتی وابسته است (محسنی، ۱۳۹۳). درای<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) معتقد است سرعت پردازش عاملی محدودکننده یا تسریع‌کننده برای رشد توانایی‌های شناختی است و در طول سال‌های رشد شخص یک تفاوت فردی کوچک در سرعت پردازش اطلاعات ممکن است، سبب تفاوت‌های بزرگ در هوش، واژگان زبان و عملکرد شود و پردازش سریع، سبب عملیات شناختی سطح بالا می‌شود. علاوه براین، یافته‌ها نشان می‌دهد عملکرد در تکالیف سرعت پردازش، اندازه‌گیری عادت و تغییر توجه با اضطراب ارتباط منفی دارد (بیودری و اوهارا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹).

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد حافظه به صورت کلی و به طور مشخص، سرعت پردازش اطلاعات یکی از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری و رشد سبک‌های دلبستگی است و سبک‌های

- 
1. Drew, Starkey & Islar
  2. Rindermann & Neubauer
  3. Deary
  4. Beaudreau & O'Hara

دل بستگی به عنوان راهبردهای ذهنی و فیلترهای عاطفی / شناختی عمل می کنند که توجه، پردازش و حافظه را تحت تأثیر قرار می دهند (کاسیدی، ۱۹۸۸).

سبک های دل بستگی نظریه ای پیشرو برای درک روابط نزدیک هستند (دیکاس و کسیدی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). یک تبیین برای رابطه بین نوع رفتار با کودک و پیامدهای جسمانی روان شناختی در بزرگسالی (ویدو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). دل بستگی پیوند عاطفی عمیقی با افراد خاص است، به طوری که وقتی با آنها تعامل داریم، احساس نشاط و آرامش می کنیم (عبدالکبیر و بیفلکو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). در سبک های دل بستگی و چگونگی احساس و اعمال والدین با یکدیگر و نحوه تعامل آنان با فرزندان نقشی مهم در توسعه ارتباطاتشان با فرزندان (الکساندر و اوهارا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹)، بدبینی، افکار تکراری و نارکارآمد (منیتی، کلری و پینی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۷) و ظرفیت نظم جویی هیجانی / رفتاری و راهبردهای مقابله با تنیدگی دارد (گوسنس<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۱).

پژوهش های متعدد نشان می دهد سبک های دل بستگی در دسته وسیعی از پیامدهای روان شناختی نقشی مهم ایفا می کنند (فرالی و رویزمن<sup>۷</sup>، ۲۰۱۹). این پیامدها در درجه اول از طریق تعاملات با مراقبان اولیه در مراحل ابتدایی زندگی شکل می گیرند، و از نوزادی تا نوجوانی دارای ثبات متوسط و در طول سال های بزرگسالی، از متوسط به بالا هستند (میکولینسر و شاور<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷). در این زمینه، دوینا و ماریاب<sup>۹</sup> (۲۰۱۵) معتقدند سبک های دل بستگی با اضطراب رابطه مستقیم دارد. الکساندر<sup>۱۰</sup> و همکاران (۲۰۰۲) نیز نشان دادند دل بستگی اجتنابی ارتباط عمیقی با استرس فرزندان دارد و پدر و مادران دارای سبک دل بستگی اجتنابی، ممکن است در رویدادها حمایت کمتری از

1. Dykas & Cassidy
2. Wido
3. Abdul Kadir & Bifulco
4. Alexander & O'Hara
5. Miniati, Callari & Pini
6. Goossens
7. Fraley & Roisman
8. Mikulincer & Shaver
9. Doinita & Mariab
10. Alexander

فرزندان خود انجام دهند؛ همچنین، ممکن است کودکان والدین اجتنابی به دیگران کمتر اعتماد کنند و در موقعیت‌های تنش‌زا، بیشتر تحریک شوند. رستگار فرج‌زاده و محمدیان (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان دادند سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا همراه با صفات شخصیتی روان‌رنجوری و تجربه‌گرایی می‌توانند به انحرافات جنسی منجر شوند. خورشیدی و فتحی‌اقدم (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی نشان دادند بین سبک دلبستگی و تصویر بدنی رابطه وجود دارد و از بین انواع سبک‌های دلبستگی، دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی ایمن، تصویر بدنی بهتری از خود دارند.

نظریه دلبستگی، در اصل برای توضیح اهمیت رابطه فرد مراقبت‌کننده با کودک، در رشد شخصیت و تنظیم احساس تدوین شده است (باولبی، ۱۹۸۰)، ولی در سال‌های اخیر به‌منظور تشریح فرایندهای شناختی و حافظه کودکان نیز استفاده شده است (دیکاس و کاسیدی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱؛ چا، گودمن و ادلستین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱). بر همین اساس، دلبستگی والد/ کودک علاوه بر تأثیرگذاری در رفتار فرزندان (جورج و سولومان<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹)، پیامدهایی برای حافظه فرزندان دارد (هادن<sup>۴</sup> و همکاران، ۱۹۹۷؛ کواس و همکاران، ۱۹۹۹)، و عکس‌العمل‌های عاطفی مربوط به حافظه کودکان را پیش‌بینی می‌کند (گودمن<sup>۵</sup> و همکاران، ۱۹۹۷). در این زمینه، دینگ<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۴) معتقدند افراد دارای دلبستگی ناایمن در مقایسه با ایمن شاخص رشد ذهنی پایین‌تری دارند. کواس و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند سبک دلبستگی والدین، حافظه و تلقین‌پذیری کودکان را در رویدادها پیش‌بینی می‌کند؛ به‌صورتی که والدین ایمن در مقایسه با ناایمن اضطرابی و اجتنابی، فرزندان با حافظه بهتر و مقاومت بیشتر در برابر پیشنهادهای دیگران دارند. همچنین، براک و مانیک<sup>۷</sup> (۲۰۰۴) نشان دادند سبک دلبستگی یکی از متغیرهایی است که با تلقین‌پذیری مرتبط است. بالبی (۱۹۸۰)

1. Dykas & Cassid
2. Chae, Goodman & Edelstein
3. George & Solomon
4. Haden, Hayne & Fivush
5. Goodman
6. Ding
7. Bruck & Melnyk

معتقد است افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی ممکن است در برابر پردازش تجارب ناراحت‌کننده مقاومت کنند و این فرایند ممکن است عملکرد حافظه را به صورت منفی تحت تأثیر قرار دهد. الکساندر<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند در فرزندان دارای سبک دلبستگی اجتنابی، بین اضطراب و عملکرد حافظه رابطه منفی وجود دارد و دلبستگی ایمن کودکان با حافظه آنها ارتباط دارد. آنها معتقدند والدین با سبک دلبستگی اجتنابی دارای فرزندان مضطرب‌تری هستند و والدین اجتنابی، اضطراب را به حافظه کودکان منتقل می‌کنند و در این کودکان اضطراب با دقت حافظه ارتباط منفی دارد. همچنین، در مطالعه اسچاف، الکساندر و گودمن<sup>۲</sup> (۲۰۰۸)، دلبستگی کودکان با حافظه و تلقین‌پذیری آنان در تجارب مختلف به طور مستقیم همبستگی نداشت.

در مجموع، با توجه به جدیدبودن حوزه بررسی شده و فقدان مطالعات منسجم و هدف‌دار در این زمینه از یک‌سو، و اهمیت سبک‌های دلبستگی در رشد و تکامل شخصیت فرزندان در ابعاد گوناگون جسمانی، عاطفی و شناختی و اهمیت سبک‌های دلبستگی در سرعت پردازش اطلاعات، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر سبک‌های دلبستگی در سرعت پردازش اطلاعات دانش‌آموزان است.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به متغیرهای موجود و دوری از دستکاری آنها در زمره طرح‌های علی-مقایسه‌ای قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش حاضر همه دانش‌آموزان مقطع متوسطه مدارس شهرستان نجف‌آباد در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷ بودند که با توجه به جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) و حجم جامعه ۱۵۰۰ نفری دانش‌آموزان، نیازمند نمونه ۳۰۶ نفری بود که در مرحله اول، ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه سبک دلبستگی (کولینز و رید، ۱۹۹۰) در بین آنها توزیع شد. در مرحله دوم، با در نظر گرفتن ریزش آزمودنی‌ها و

1. Alexander

2. Schaaf, Alexander & Goodman

کنار گذاشتن پرسشنامه‌های ناقص، ۲۴۷ نفر برای غربالگری انتخاب شدند. در مرحله سوم، از میان ۲۴۷ نفر که اعتبار پاسخ‌های آن‌ها تأیید شده بود، براساس نمرات انتهایی توزیع پرسشنامه سبک دلبستگی سه گروه (اضطرابی دوسوگرا، اجتنابی و ایمن) با حجم ۱۵ نفر انتخاب شدند. در روش علی-مقایسه‌ای یا آزمایشی به گروه‌های با حجم حداقل ۱۵ نفر نیاز هست (دلاور، ۱۳۹۱). شاخص‌های توصیفی ابعاد شخصیتی در سطح نمونه اولیه در جدول ۱ مشاهده می‌شود. ابزار پژوهش حاضر پرسشنامه بود.

**پرسشنامه سبک دلبستگی<sup>۱</sup> کولینز و رید<sup>۲</sup> (۱۹۹۰):** این پرسشنامه شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خودتوصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است. این پرسشنامه ۱۸ ماده دارد که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس پنج‌درجه‌ای از نوع لیکرت (به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد = ۱ تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد = ۵) سنجیده می‌شود. این پرسشنامه سه زیرمقیاس وابستگی، نزدیک بودن و اضطراب را شامل می‌شود (پاکدامن، ۱۳۸۰) بر پایه توصیف‌هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان هازان و شیور در باره سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، گویه‌های پرسشنامه خود را تدوین کردند. زیرمقیاس اضطراب (A) با دلبستگی اضطرابی دوسوگرا مطابقت دارد و زیرمقیاس نزدیک بودن (C) بعدی دوقطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد. بنابراین، نزدیک بودن (C) در تطابق با دلبستگی ایمن است و زیرمقیاس وابستگی (D) را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. ضریب اعتبار این مقیاس براساس شیوه بازآزمایی درباره ۱۰۵ دختر و پسر در شهر تهران ۰/۹۷ و روایی آن ۰/۵۶ گزارش شده است (پاکدامن، ۱۳۸). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۹ به دست آمد.

**سرعت پردازش اطلاعات:** برای اندازه‌گیری سرعت پردازش اطلاعات، دو آزمون مدادی-

کاغذی به کار گرفته شد:

1. Attachment Style Scale
2. Collins & Read

۱. آزمون زاهلن / وربیندونگز اسوالد و روس<sup>۱</sup> (۱۹۷۸): در این آزمون آزمودنی‌ها باید اعداد ۱ تا ۹۰ را که به‌طور تصادفی کنار هم قرار گرفته‌اند، در روی یک ورقه کاغذ به هم وصل کنند. آزمودنی‌ها آموزش داده می‌شوند تا آزمون را هم سریع‌تر و هم دقیق‌تر تمام کنند. عملکرد آزمودنی‌ها در دفعه اول براساس مقدار زمانی که برای وصل کردن اعداد صرف می‌کنند و در دفعه دوم، براساس اعدادی که در محدوده زمانی ۳۰ ثانیه به هم وصل شده‌اند، به دست می‌آید. این آزمون با سطح دشواری پایین و محدودیت‌های زمانی بالا مشخص می‌شود و تقریباً در محدوده زمانی ۳۰ ثانیه، کمتر فردی همه اعداد را به هم وصل می‌کند. همه موارد راحت‌اند و فرض می‌شود اگر آزمودنی وقت کافی داشته باشد، می‌تواند همه ارقام را به‌درستی به هم وصل کند. هرچه فرد سریع‌تر عمل کند، می‌تواند گزینه‌های زیادتری را به هم وصل کند. سطوح بالای توانایی شناختی با تعداد گزینه‌های کامل‌شده در این محدوده زمانی مشخص می‌شود. مطالعات زیادی شواهد تجربی به دست آورده‌اند که این آزمون اندازه‌گیری دقیقی از سرعت پردازش اطلاعات به دست می‌دهد. برای مثال، اسوالد و روس (۱۹۷۸) همبستگی ۰/۴۰ تا ۰/۸۳ بین این آزمون و سایر مقیاس‌های هوشی گزارش دادند؛ برای مثال با ماتریس‌های پیشرونده ریون (۱۹۶۲)، آزمون نابسته به فرهنگ کتل (۱۹۶۰) و مقیاس هوش وکسلر (۱۹۹۵). این یافته‌ها را ورنون<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) نیز تأیید کرده است، او همبستگی متوسط تا بالایی را بین عملکرد در این آزمون و مجموعه آزمون‌های استعداد چندبعدی گزارش کرده است. در ایران، کرمی باغطیفونی و همکاران (۱۳۹۱) به‌منظور بررسی پایایی داده‌های آزمون روش بازآزمون را به‌کار گرفتند که میزان آن را ۰/۸۱ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این آزمون ۰/۷۱ به دست آمد.

۲. آزمون رمزگردانی (کی دی تی) سیتزول<sup>۳</sup> (۱۹۹۵): در این آزمون اعداد ترتیبی و حروف انگلیسی به‌صورت ترتیبی در داخل صفحه و در درون دایره‌ها پراکنده‌اند؛ به این صورت که اعداد ۱ تا ۱۲ و حروف A تا L درون دایره‌ها و در روی صفحه به‌طور تصادفی پراکنده‌اند. آزمودنی باید

---

1. Oswald & Roth  
2. Vernon  
3. Sitzwohl



با عدد ۱ شروع کند. سپس، حرف A، عدد ۲ و بعد حرف B و ... را به هم وصل کند. عملکرد آزمودنی‌ها در دفعه اول براساس مقدار زمانی که برای وصل کردن اعداد صرف می‌کنند و در دفعه دوم، براساس تعداد اعدادی به دست می‌آید که در محدوده زمانی ۳۰ ثانیه به هم وصل می‌کند. سیترو (۱۹۹۵) ضریب اعتبار بازمیابی این آزمون را برابر ۰/۸۳ برآورد کرد. در ایران، کرمی باغظیفونی و همکاران (۱۳۹۱) به منظور بررسی پایایی داده‌های آزمون، روش بازمیابی را در فاصله دو هفته بر روی ۴۰ نفر آزمودنی اجرا کردند که همبستگی بین این دو اجرا برابر با ۰/۸۱ به دست آمد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این آزمون ۰/۷۴ به دست آمد.

پس از کسب رضایت و توضیح فرایند پژوهش به شرکت‌کننده‌ها، آزمون‌های سرعت پردازش (آزمون زهلن وریتدونگر و رمزگردانی کی دی تی) براساس ترتیب متوازن‌سازی متقابل اجرا شد. در طول مدت پاسخ‌دهی شرکت‌کننده‌ها، پژوهشگر حضور فعال داشت تا از بروز پاسخ‌های تصادفی جلوگیری کند و در صورت لزوم به پرسش‌های آن‌ها پاسخ دهد. در تجزیه و تحلیل اطلاعات علاوه بر شاخص‌های آمار توصیفی، تحلیل واریانس چندمتغیری<sup>۱</sup> و آزمون‌های تعقیبی بون‌فرنی به کار گرفته شد.

### یافته‌های پژوهش

در جدول ۱، ویژگی‌های شخصیتی اعضای نمونه بیان شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی ابعاد شخصیتی نمونه مورد مطالعه

| سبک دلبستگی     | تعداد | میانگین | انحراف استاندارد | مقدار کمینه | مقدار بیشینه |
|-----------------|-------|---------|------------------|-------------|--------------|
| اضطرابی دوسوگرا | ۲۴۷   | ۱۹,۶۳   | ۳,۹۹             | ۸           | ۳۴           |
| اجتنابی         | ۲۴۷   | ۱۹,۵۷   | ۴,۰۵             | ۹           | ۳۲           |
| ایمن            | ۲۴۷   | ۱۷,۸۷   | ۴,۳۷             | ۷           | ۳۵           |

به منظور مقایسه سه گروه آزمودنی در سرعت پردازش اطلاعات تحلیل واریانس چندمتغیری به کار گرفته شد. برای تحلیل واریانس چند متغیری، نخست داده‌های پرت براساس تبدیل آن‌ها به

1. Multivariate Analysis of Variance (MANOVA)

نمرات استاندارد (Z) واریسی شد و نمرات Z خارج از دامنه +۲ و -۲ حذف شدند. دامنه آزمون‌های لوین ( $P > 0.01$ ;  $F = 0.56$ ;  $(2, 42) = 0.56$ ) و کالموگراف/اسمیرنف ( $0.76 - 1.43$ ) بیان‌کننده همسانی واریانس و نرمال بودن توزیع متغیرها بوده است. همچنین، نتیجه آزمون M باکس ( $P > 0.01$ ;  $F = 1.26$ ;  $(20, 6331.98) = 1.26$ ) نشان داد ماتریس کوواریانس متغیرهای وابسته در گروه‌ها همسان است و می‌توان تحلیل واریانس چندمتغیری به کار گرفته شد. نتیجه آزمون چندمتغیری لامبدای ویلکز<sup>۱</sup> ( $P < 0.001$ ;  $F = 7.25$ ;  $(8, 78) = 7.25$ ) معنادار بود. معنادار بودن این آزمون نشان می‌دهد حداقل بین دو گروه در یکی متغیرها تفاوت معنادار وجود دارد، ولی این تفاوت‌ها مشخص نمی‌کند که کدام گروه‌ها در کدام متغیرها با همدیگر تفاوت دارند. تفاوت‌های یادشده از طریق تحلیل واریانس یک‌راهه و آزمون تعقیبی بون‌فرنی بررسی شده است که نتایج آن‌ها در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه و آزمون تعقیبی بون‌فرنی برای مقایسه گروه‌ها در سرعت پردازش اطلاعات

| مؤلفه                    | گروه               | تعداد | میانگین | انحراف استاندارد | F<br>df=(۳، ۱۳۹) | مجذور اتا | آزمون تعقیبی بون‌فرنی |
|--------------------------|--------------------|-------|---------|------------------|------------------|-----------|-----------------------|
| زاهلن-<br>وربیندونگر     | ۱. اجتنابی         | ۱۵    | ۲,۳۷    | ۰,۴۶             | ۱۳,۱۹***         | ۰,۳۸      | $2 > 1$               |
|                          | ۲. اضطرابی دوسوگرا | ۱۵    | ۳,۰۶    | ۰,۷۶             |                  |           | $2 > 3$               |
|                          | ۳. ایمن            | ۱۵    | ۱,۹۴    | ۰,۵۶             |                  |           | --                    |
| زاهلن-<br>وربیندونگر ۳۰  | ۱. اجتنابی         | ۱۵    | ۳۱,۰۰   | ۴,۸۴             | ۱۱,۳۵***         | ۰,۳۵      | $3 > 2$               |
|                          | ۲. اضطرابی دوسوگرا | ۱۵    | ۲۷,۸۷   | ۴,۷۹             |                  |           | $3 > 1$               |
|                          | ۳. ایمن            | ۱۵    | ۳۷,۰۷   | ۶,۳۵             |                  |           | --                    |
| رمزگردانی<br>کی دی تی    | ۱. اجتنابی         | ۱۵    | ۱,۴۶    | ۰,۹۳             | ۲,۱۵             | ۰,۰۹      | --                    |
|                          | ۲. اضطرابی دوسوگرا | ۱۵    | ۱,۰۸    | ۰,۴۷             |                  |           | $2 > 1$               |
|                          | ۳. ایمن            | ۱۵    | ۱,۷۰    | ۰,۹۹             |                  |           | $3 > 2$               |
| رمزگردانی<br>کی دی تی ۳۰ | ۱. اجتنابی         | ۱۵    | ۷,۷۳    | ۰,۹۶             | ۷,۳۳***          | ۰,۲۶      | $3 > 2$               |
|                          | ۲. اضطرابی دوسوگرا | ۱۵    | ۷,۵۳    | ۱,۵۵             |                  |           | $3 > 1$               |
|                          | ۳. ایمن            | ۱۵    | ۹,۴۰    | ۱,۷۶             |                  |           | --                    |

\*\*\* =  $P < 0.001$  \*\* =  $P < 0.05$  \* =  $P < 0.01$

## 1. Wilks' Lambda

براساس جدول ۲، در اجرای آزاد آزمون زاهلن/ وربیندونگر، مدت زمان صرف‌شده برای دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی اضطرابی دوسوگرا بیشتر از دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی اجتنابی و ایمن است. در اجرای آزمون زاهلن/ وربیندونگر در مدت زمان ۳۰ ثانیه، عملکرد دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی ایمن بهتر از دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی اضطرابی دوسوگرا و اجتنابی است. در اجرای آزاد آزمون رمزگردانی کی دی تی تفاوت معناداری در مدت زمان صرف‌شده مشاهده نمی‌شود. در نهایت، اجرای آزمون رمزگردانی کی دی تی در ۳۰ ثانیه عملکرد دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی ایمن بهتر از دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی اضطرابی دوسوگرا و اجتنابی است.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی سرعت پردازش اطلاعات براساس سبک‌های دلبستگی دانش‌آموزان بود؛ نتایج نشان داد در اجرای آزاد و اجرای آزمون زاهلن/ وربیندونگر، مدت زمان صرف‌شده برای دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی اضطرابی/ دوسوگرا بیشتر از دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی اجتنابی و ایمن است و عملکرد دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی ایمن بهتر از دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی اضطرابی/ دوسوگرا و اجتنابی است. همچنین، عملکرد دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی اجتنابی بهتر از دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی اضطرابی/ دوسوگراست. همچنین، نتایج نشان داد در اجرای آزمون رمزگردانی کی دی تی در ۳۰ ثانیه عملکرد دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی ایمن بهتر از دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی اضطرابی/ دوسوگرا و اجتنابی است. این نتایج نشان می‌دهد سبک‌های دلبستگی دارای تأثیر مستقیم و تمیزدهنده در عملکرد حافظه و سرعت پردازش اطلاعات دانش‌آموزان است. به نظر می‌رسد تعاملی که بین سبک دلبستگی و سطح استرس فرزندان وجود دارد، پیش‌بینی‌کننده حافظه و سرعت پردازش شناختی عمل می‌کند؛ سبک دلبستگی اضطرابی/ دوسوگرا و اجتنابی سبب افزایش استرس در فرزندان و از این طریق سبب کاهش سرعت پردازش شناختی می‌شود. یکی از دلایل چنین رابطه‌ای این است که والدین ایمن توجه بیشتری به سطح استرس فرزندان خود دارند و به

احتمال بیشتری برای آماده‌سازی فرزندان خود درباره رویدادها، با آن‌ها صحبت می‌کنند و به راحتی فرزندان خود را قبل، در طول و پس از این رویدادها آماده می‌کنند (گودمن و همکاران، ۱۹۹۷). همین توجه مثبت ممکن است به وسیله تزریق منابع شناختی بیشتر در مورد رویدادهایی که فرزندان بر آن متمرکز می‌شوند، عملکرد حافظه را تسهیل می‌کند؛ از سوی دیگر، رابطه‌ای که بین دلبستگی والدین و حافظه کودکان وجود دارد، ممکن است بر اثر تاریخچه تعامل والد/ فرزند به جای حضور والدین در طول این رویدادها باشد و چنین سابقه‌ای در رفتار والدین ممکن است به نوبه خود، در حافظه کودکان تأثیر گذار باشد (فیوش<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳؛ گودمن و همکاران، ۱۹۹۷). همچنین، می‌توان گفت فرزندان که والدین ایمن دارند، به دلیل نوع تربیت، شرایط خانوادگی و کیفیت مراقبت و پرستاری، توانایی‌های شناختی و هوش بیشتری دارند.

همچنین، نتایج نشان داد در اجرای آزاد آزمون رمزگردانی کی دی تی، تفاوت معناداری در مدت زمان صرف شده بین فرزندان با سبک‌های دلبستگی متفاوت مشاهده نشد. این نتیجه دلایل متفاوتی دارد: اثر تکرار و تمرین که سبب کاهش اضطراب و تمرکز بیشتر در اجرای دوم می‌شود، کم‌تر بودن انتخاب‌ها در مقایسه با آزمون زاهلن/ وریندونگر که تصویرسازی ذهنی از نتیجه صحیح و نهایی را راحت‌تر و انتقال اطلاعات به اجرای بعدی را تسهیل می‌کند، استفاده از حرف انگلیسی همراه با اعداد که سبب افزایش نشانه‌ها و کدها برای یادآوری نقشه شناختی مد نظر می‌شود و اجرا در زمان آزاد که سبب افزایش تمرکز و کاهش استرس در حین اجرای آزمون می‌شود، از جمله این دلایل می‌تواند باشد.

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر نشان داد سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی/ دوسوگرا عملکرد شناختی افراد را به صورت متمایزی تحت تأثیر قرار می‌دهند و دارای پیامدهای شناختی متفاوتی برای دانش‌آموزان هستند و دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی ایمن در مقایسه با دانش‌آموزان دیگر از توانایی سرعت پردازش اطلاعات بیشتری برخوردارند و دانش‌آموزان دارای

---

1. Fivush

سبک دلبستگی اضطرابی/ دوسوگرا از عملکرد ضعیف‌تری در مقایسه با دو گروه دیگر برخوردارند.

همچنین، نتیجه پژوهش حاضر با تأکید بر اهمیت شکل‌گیری سبک دلبستگی ایمن در دوران کودکی و تأثیر آن بر عملکرد شناختی فرزندان، لزوم آموزش و مشاوره روان‌شناسی در این زمینه را آشکار می‌سازد. همچنین، براساس نتایج حاضر، باید دوره‌های آموزشی در زمینه اهمیت دلبستگی در فرزندان و مراقبت از فرزندان ارائه داده شود. به نظر می‌رسد مهم‌ترین کاربست عملی این پژوهش اصلاح سبک زندگی و آموزش شیوه شکل‌گیری دلبستگی ایمن و روش‌های صحیح برقراری ارتباط با فرزندان است. پیشنهاد می‌شود پایش منظم رفتار دلبستگی انجام گیرد تا بتوان برنامه پیشگیری و مداخله مناسب برای مدیریت و شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی ایمن طراحی کرد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به جنسیت، دامنه سنی محدود و استفاده صرف از ابزارهای مدادی کاغذی اشاره کرد که این محدودیت‌ها احتیاط‌هایی را برای تفسیر یافته‌های پژوهش و تعمیم یافته‌ها ایجاب می‌کند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی، جامعه آماری مطالعه شده به کل نوجوانان جامعه با دامنه‌های سنی و جنسی متفاوت گسترش یافته و مناطق وسیع‌تری از جامعه با ویژگی‌های متنوع‌تر را تحت پوشش قرار گیرند تا نتایج مطالعه قابلیت تعمیم بیشتری یابد.

## منابع

- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی. رساله دکتری روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- خورشیدی، فاطمه، و فتحی‌اقدم، قربان (۱۳۹۷). رابطه خودکارآمدی عمومی و سبک‌های دلبستگی با تصویر بدنی دانش‌آموزان دختر. نشریه روان‌پرستاری، ۶(۷)، ۳۳-۲۵.
- رستگار فرج‌زاده، لیلا، و محمدیان، ابوالفضل (۱۳۹۸). نقش میانجی سبک‌های دلبستگی در رابطه بین صفات شخصیت و یادگارخواهی. مجله شفای خاتم، ۷(۲)، ۵۵-۴۴.
- شیرزادی‌فرد، میثم (۱۳۹۲). سبک پردازش‌های اطلاعات، ادارک روابط والد - کودک و بهزیستی ذهنی: نقش واسطه‌ای باورهای اساسی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- کرمی باغظیفونی، زهرا، فرخی، نورعلی، ابراهیمی قوام، صغری، و مهاجر، یحیی (۱۳۹۱). مدل‌یابی علی‌خلاقیت براساس متغیرهای مکنون هوش، سرعت پردازش اطلاعات و باز بودن نسبت به تجربه‌ها در دانشجویان شهر تهران. رساله دکتری روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- محسنی، نیکچهره (۱۳۹۳). نظریه‌ها در روان‌شناسی رشد: شناخت، شناخت اجتماعی، شناخت و عواطف. تهران: جاجرمی.
- Abdul Kadir, N. B., & Bifulco, A. (2013). Insecure attachment style as a vulnerability factor for depression: recent findings in a community-based study of Malay single and married mothers. *Psychiatry Research*, 30(3), 919-24.
- Alexander, K. W., & O'Hara, K. D. (2009). An integrated model of emotional memory: Dynamic transactions in development. In J. A. Quas, & R. Fivush (Eds.), *Emotion and memory in development: Biological, cognitive, and social considerations* (pp. 221-255). New York: Oxford University Press .
- Alexander, K. W., Goodman, G. S., Schaaf, J. M., Edelstein, R. S., Quas, J. A., & Shaver, P. R. (2002). The role of attachment and cognitive inhibition in children's memory and suggestibility for a stressful event. *Journal of Experimental Child Psychology*, 83(4), 262-290.
- Alexander, K. W., Quas, J. A., & Goodman, G. S. (2002). Theoretical advances in understanding children's memory for distressing events: The role of attachment. *Developmental Review*, 22(3), 490-519.

- Beaudreau, S. A., & O'Hara, R. (2009). The association of anxiety and depressive symptoms with cognitive performance in community dwelling older adults. *Psychology Aging*, 24(2), 507-512.
- Bowlby, J. (1980). *Attachment and loss, Vol. 3: Loss: Sadness and depression*. New York: Basic Books
- Bruck, M., & Melnyk, L. (2004). Individual differences in children's suggestibility: A review and synthesis. *Applied Cognitive Psychology*, 18(8), 947-996.
- Cassidy, J. (1988). Child-mother attachment and the self in six-year-olds. *Child Development*, 59(1), 121-134 .
- Chae, Y., Goodman, G. S., & Edelstein, R. S. (2011). *Autobiographical memory development from an attachment perspective: The special role of negative events*. In J. B. Benson (Ed.). *Advances in child development and behavior* (Vol. 40, pp.1-49). Burlington, VT: Academic Press.
- Deary, I. J. (1995). Auditory inspection time and intelligence: What is the direction of causation? *Developmental Psychology*, 31(2), 237-250.
- Doinita, N. E. & Mariab, N. D. (2015). Attachment and Parenting Styles. *Procedia. Social and Behavioral Sciences*, 203(1), 199-204.
- Drew, M. A., Starkey N. J., & Islar R. B. (2009). Examining the link between information processing speed and executive functioning in multiple sclerosis. *Arch Clin Neuropsychol*, 24(1), 47-58.
- Dykas, M. J., & Cassidy, J. (2011). Attachment and the processing of social information across the life span: Theory and evidence. *Psychological Bulletin*, 137(1), 19-46.
- Fivush, R. (1993). Emotional content of parent-child conversations about the past. In C. A. Nelson (ed.), *Memory and affect in development* (pp. 39-77). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Fraley, R. C., & Roisman, G. I. (2019). The development of adult attachment styles: four lessons. *Current Opinion in Psychology*, 25(1), 26-30.
- George, C., & Solomon, J. (1999). Attachment and caregiving: The attachment behavioral system. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp. 649-670). New York: Guilford Press.
- Goodman, G. S., Quas, J. A., Batterman-Faunce, J. M., Riddlesberger, M. M., & Kuhn, J. (1997). Children's reactions to and memory for a stressful event: Influences of age, anatomical dolls, knowledge, and parental attachment. *Applied Developmental Science*, 1(2), 54-75.
- Goossens, L., Braet, C., Bosmans, G., & Decaluwe, V. (2011). Loss of control over eating in pre-adolescent youth: The role of attachment and self-esteem. *Eating Behaviours*, 12(4), 289-95.
- Haden, C. A., Hayne, R. A., & Fivush, R. (1997). Developing narrative structure in parent-child reminiscing across the preschool years. *Developmental Psychology*, 33(2), 295-307.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in adulthood: structure, dynamics, and change*. New York: Guilford Press.
- Miniati, M., Callari, A., & Pini, S. (2017). Adult attachment style and suicidality. *Psychiatria Danubina*, 29(3), 250-259.
- Rindermann, H., & Neubauer, A. C. (2004). Processing speed, intelligence, creativity,

- and school performance: Testing of causal hypotheses using structural equation models. *Intelligence*, 32(6), 573–589.
- Schaaf, J. M., Alexander, K. W., & Goodman, G. S. (2008). Children's false memory and true disclosure in the face of repeated questions. *Journal of Experimental Child Psychology*, 100(3), 157–185.
- Sitzwohl, E. M. (1995). Konstruktion und Empirische Überprüfung eines Papier-Bleistift-Tests zur Erfassung von Informationsverarbeitungs geschwindigkeit: Der Coding-Test. Unpublished Diploma's thesis, University of Graz, Austria.
- Wido, C. S., Czaja, S. J., Kozakowski, S. S., & Chauhan, P. (2018). Does adult attachment style mediate the relationship between childhood maltreatment and mental and physical health outcomes?. *Child Abuse & Neglect*, 76(1), 533-545.

